

جشنواره

گزارش «فرهیختگان» از روزهای ابتدایی برگزاری سی‌وهشتمین دوره جشنواره جهانی فجر

جراحی لازم



مجیدی اردشیری

روزنامه‌نگار

سی‌وهشتمین دوره جشنواره جهانی فجر این روزها در پردیس چارسو درحال برگزاری است. جشنواره‌ای که سال گذشته به دلیل شیوع کرونا، برگزار نشد و امسال با کسب تجربه از جشنواره‌های سینمایی که طی ماه‌های اخیر برگزار شده‌اند، به دو شیوه فیزیکی و مجازی درحال برگزاری است.

تفاوت بزرگ این دوره جشنواره جهانی با ۴ دوره قبلی اش، در تغییر دبیر است. رضا میرکریمی پس از ۴ سال دبیری این رویداد، جایش را به محمدمهدی عسگرپور داد. مدیر نام‌آشنای سینما که معتقد است با وجود تعطیلی جشنواره طی سال گذشته، تیم برگزاری در تمام مدت سال، به وظایف خود مشغول بوده و جشنواره برای هیچ‌روزی بیکار و تعطیل نبوده است. ضمن اینکه امسال بخش دارالفنون هم به دلیل مساعدنودن شرایط مسافرت، حذف شده و میهمان خارجی چندانی هم در جشنواره حضور ندارد. بمب تبلیغاتی سالیان اخیر جشنواره که به حضور چهره‌های سرشناس سینمای جهان نظیر «الیور استون» و «پل شریدر» مربوط می‌شد نیز امسال جایی در جشنواره ندارد تا دوره سی‌وهشتم، به تاسی از کرونا، تنها یک فرصت مغتنم برای خاموش نماندن چراغ این رویداد سینمایی تلقی شود.

با این همه نمی‌توان تمام پارامترها را تحت تاثیر کرونا، بر یادرفته یا باری به هر جهت عنوان کرد و تنها به بهانه روشن ماندن چراغ این جشنواره، چشم از کاستی‌های آن فروبست.



ناهماهنگی در افتتاحیه

است، برگزاری مراسم را به‌عهده داشت. گویا در ابتدا قرار بود ترجمه صحبت‌های مجری و دیگر کسانی که روی سن حرف می‌زدند، به‌صورت هم‌زمان روی تصویر و به‌صورت نریشن باشد اما در حرکتی نااهم‌نگ، مترجم هم روی سن آمد و وقت بسیاری از حضار گرفته شد تا ترجمه طولانی سخنان مجری به زبان آورده شود. تعلل در پخش کلیپ «آنسو آتش» و طولانی شدن مراسم که به جز رونمایی چندتایی‌ای از پوستر بخش فیلم‌های مرمت‌شده و البته خبر قرارگرفتن جشنواره جهانی فجر در لیست فیایف، چیز دیگری نداشت، سبب شد فیلمی که قرار بود ساعت ۱۹ نمایش داده شود، با تاخیر حدود ۵۰ دقیقه‌ای پخش شود. خیلی جالب است که کل صحبت‌های کیانوش عیاری و سیامک اطلسی به‌عنوان کارگردان و بازیگر آنسو آتش کمتر از ۳ دقیقه بود و مابقی این زمان، به کاستی‌ها، حرف‌های اسفندیاری، عسگرپور و مترجم مربوط شد.

یکی از اتفاق‌های خوبی که کرونا در بسیاری از جشنواره‌های سینمایی جهان به‌همراه آورد، حذف افتتاحیه‌ها بود. مراسمی سرد که البته در ایران، به‌واسطه سخنرانی‌های مکرر و طولانی، سردتر هم بود. مراسمی که طی سالیان اخیر با اضافه شدن کارگردانی به آن، تجملاتی‌تر و هزینه‌بر هم شده بود. جشنواره جهانی فجر به‌واسطه رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و پرهیز از شلوغی‌ها، مراسم افتتاحیه خود را حذف و تنها به یک رونمایی ساده آن‌هم پیش از نمایش نسخه ترمیم‌شده فیلم «آنسو آتش» کیانوش عیاری بسنده کرد.

مراسمی که در سالن ۱ پردیس چارسو برگزار شد و به‌صورت زنده، از دسترهای اینترنتی پخش شد. نکته جالب درمورد این رونمایی، صحرایی برگزار شدن مراسم بود. اینکه یک‌سوم انتهای سالن پر نشده بود به‌کنار، نااهم‌نگی‌های بسیاری در این مراسم ۴۰ دقیقه‌ای به چشم خورد. امیر اسفندیاری که در این دوره، معاون دبیر جشنواره

حضور کم‌رنگ چهره‌های سرشناس

دیگری به کاخ جشنواره نیامد. میرکریمی به‌دلیل چهار دوره دبیری، به چارسو آمد، عیاری برای نمایش فیلمش و تابش هم به‌عنوان مدعو در مراسم رونمایی از پوستر بخش فیلم‌های مرمت‌شده، در چارسو حضور یافتند. خیلی جالب است که بسیاری از بازیگران فیلم‌های ایرانی که در این دوره نمایش داشتند نیز برای عکس یادگاری به چارسو نیامدند. جشنواره‌ای که طی دوره‌های اخیر خود تلاش داشت با جذب چهره‌های متنوع سینمای ایران، تاحدی به فضاسازی دست بزند، طی سه روز نخست برگزاری اش، چندان پرفروغ عمل نکرد؛ آن‌هم در دوره‌ای که احساس می‌شد به‌دلیل نبود میهمان مطرح در تراز بین‌المللی، جشنواره بخواهد با حضور بازیگران و سینماگران مطرح داخلی، تنور این رویداد را پس از یک‌سال غیبت، حساسی گرم کند، خبری از این چهره‌ها نیست.

هرچه جشنواره جهانی در دوره‌های قبلی خود پر از نام‌ها و مدعوین سرشناس بود، در این دوره، با سکوت قابل‌توجهی همراه است. در سه روز ابتدایی و با آنکه تقارن این سه روز به روزهای پایانی هفته می‌خورد، چهره‌های چندان شاخصی در کاخ جشنواره حضور نداشتند. به‌جز شهردار تهران که برای دقایقی در روز نخست به چارسو آمد و حتی به‌دلیل کاری که برایش پیش آمد، فرصت حضور در افتتاحیه را پیدا نکرد، شخص غیرسینمایی دیگری در کاخ جشنواره حضور نیافت. درحالی‌که تصور می‌شد امسال به‌دلیل انتخابات ریاست‌جمهوری و آغاز پروسه تبلیغات، چهره‌های سرشناس بسیاری به چارسو بیایند اما طی سه روز ابتدایی، به‌جز پیروز خانچی، شخص سیاسی دیگری به جشنواره نیامد. حال آنکه طی دوره‌های اخیر، چندین چهره سرشناس سیاسی میهمان جشنواره بودند.

در همین مدت، به‌جز رضا میرکریمی و کیانوش عیاری و البته علیرضا تابش، سینماگر

فیلم‌هایی که چنگی به دل نمی‌زنند

پرسش‌های بنیادی‌تر از جشنواره جهانی. از آمار تعداد مخاطبان فضای مجازی آثار و کارگاه‌ها هم اطلاع چندانی در دست نیست. گاهی برخی در فضای مجازی، تصاویری منتشر می‌کنند که حاکی از استقبال تعداد اندک مخاطبان است. البته در بخش بازار که یکی از اصلی‌ترین بخش‌های هر جشنواره بین‌المللی است، گویا وضع بهتری حاکم است. روابط عمومی جشنواره جهانی طی خبری اعلام کرده حدود ۲۳۰ میهمان ایرانی و بین‌المللی در بازار فیلم این دوره شرکت کرده‌اند و بیش از هزار قرار ملاقات میان شرکت‌کنندگان این بخش در پلتفرم سیناندو تنظیم شده است که البته این آمار روبه افزایش است. البته که نفس خیر، بسیار میمون و فرخنده است اما جشنواره باید چندی بعد اعلام کند این قرار ملاقات‌ها به چه خریدهایی منتهی شده است و چند فیلم از ایران، مستری بین‌المللی پیدا کرده‌اند. تنها انتشار گزارش‌هایی از این دست است که ضمن شفاف‌سازی، میزان مقبولیت و اعتبار جشنواره را نزد مخاطبان و کمپانی‌های جهانی به مخاطبان داخلی و کسانی که به سیاست این جشنواره نقدی دارند، نشان داده و به اثبات می‌رساند.

در بخش فیلم‌های خارجی، حجم قابل‌توجهی از فیلم‌های جشنواره امسال متعلق به روسیه یا کشورهای استقلال یافته از شوروی سابق است. بسیاری از این فیلم‌ها با حداقل تماشاگر و درحالی‌که کمتر از ۱۰ نفر در سالن حضور دارند، به نمایش درآمده و متأسفانه تصویر مناسبی از میزان استقبال ارائه نمی‌دهند. آیا پیوستن جشنواره به فیایف سبب می‌شود شاکله پذیرش فیلم تغییر کرده تا به سمت روبه مرسوم در جشنواره‌های معتبر جهانی پیش روییم؟

جشنواره جهانی هم‌اکنون به یک دگردیسی بزرگ نیاز دارد. یک پوست‌اندازی از مرحله برون‌رفت از سیکل گردش‌مدیران تکراری، دریافت اطلاعات، پالایش و پذیرش اثر تا رسیدن به یک محبوبیت داخلی و روند شفاف‌سازی. این مهم البته هم‌اکنون می‌تواند به بهانه پیوستن به فیایف، شکل عملی‌تر و اجرایی‌تری به خود بگیرد. فقط یک انگیزه مدیریتی نیاز دارد که سبب شود مکانیسم‌های جشنواره جهانی، ۶ سال پس از استقلال، از پوسته اولیه جدا شده و اهرم‌های حرفه‌ای‌تر و به‌روتری را درکنار خود دنبال کند.

یکی از مسائلی که منتقدان جشنواره جهانی فجر طی سالیان اخیر به این رویداد نسبت می‌دهند، نمایش فیلم‌های ایرانی بود که جواز حضور در جشنواره ملی را به دست نیاورده و حالا جشنواره جهانی با نمایش این فیلم‌ها درصدد یک شوی تبلیغاتی بزرگ برای شلوغ نشان دادن سالن‌های خود و استقبال از برنامه‌هایش است.

امسال اما تعداد فیلم‌های ایرانی حاضر در جشنواره جهانی، به تعداد قابل‌توجهی کاهش یافته اما به‌جز «گیج‌گاه»، مابقی فیلم‌ها در جشنواره ملی فجر سال گذشته حضور نداشته‌اند. فیلم‌هایی که خبرسازی‌های حول آنها به‌مراتب از محتوا و کیفیت‌شان بزرگ‌تر بوده و متأسفانه نتوانستند اقبال چندانی را به دست بیاورند. در شرایطی که طی سه روز ابتدایی جشنواره، بخش بسیاری از فیلم‌های ایرانی نمایش داده شد، اکثریت قریب به اتفاق آنها نتوانستند رضایت چندانی از مخاطبان به دست آورده و متأسفانه ناکام مانندند.

در پایان روز سوم جشنواره، «میجر» یک جان‌دوربا به جشنواره داد و بسیاری از مخاطبان این فیلم در درحالی‌که پس از پایان، آن را تشویق می‌کردند، راضی از سالن‌ها به بیرون هدایت کرد. خیلی عجیب است که حضور فیلمی با این میزان کیفیت، جواز حضور در فجر ملی را به دست نیاورد. اتفاقی که حالا می‌توان نشانه‌های آن را در دایلی غیرسینمایی و به‌دلیل حواشی برخی عوامل آن عنوان کرد. احسان عبدی‌پور و حمید فرخ‌نژاد نیز همراه با مخاطبان به تماشای فیلم نشستند. فرخ‌نژاد که درکنار بازی در این فیلم، تهیه‌کننده این اثر نیز است، در صحبت‌های کوتاهی که پیش از نمایش «میجر» داشت، اولین نمایش رسمی فیلمش را به استاد خسرو سینایی تقدیم کرد.

میجر را که فاکتور بگیریم، به فیلم‌های موفق چندانی برنمیخوریم. این ناکامی، چنین سوالی را در ذهن به وجود می‌آورد که هدف از انتخاب این فیلم‌ها در دو بخش رقابتی جشنواره به چه ترتیبی بوده است؟ آیا دیگر فیلم‌های ایرانی و آنهایی که در جشنواره ملی حضور داشتند، از ثبت‌نام آثار خود در جشنواره جهانی امتناع ورزیدند و این فیلم‌ها در یک شرایط ازبوله و درحالی‌که حق انتخاب چندانی وجود نداشت، پذیرفته شده‌اند یا در یک روند دموکراتیک و براساس قابلیت و محتوا انتخاب شده‌اند. پاسخ، هریک از این دو شق که باشد، محلی است برای

کنترل حجم مدعوین

یکی از اتفاق‌های خوبی که در جشنواره این دوره شاهد آن هستیم، کاهش معنادار حضار در جشنواره امسال است. در دوره‌های اخیر، باز شاهد شلوغی‌های افسارگسیخته نبودیم؛ اما شلوغی‌ها در زمان‌هایی مانند نمایش یک فیلم ایرانی پرسروصدا، غیرقابل کنترل می‌شد. امسال اما خبری از آن شلوغی‌ها نیست و احساس می‌شود همین میزان مخاطبی که در پردیس چارسو حضور دارند، برای تماشای فیلم به این مکان مراجعه کرده و دیگر از آن پرسه‌زنی‌های بی‌مبوهه و شلوغی‌های زیاد و ایجاد صف‌های طولیل برای تماشای فیلم‌های ایرانی خبری نیست. البته طی سه روز ابتدایی، بسیاری از فیلم‌های ایرانی مهم جشنواره به نمایش درآمدند و خبری از آن شلوغی‌ها هم نشد. باید در ادامه دید که این مهندسی را باید در نتیجه ساماندهی به‌واسطه محدودیت‌های کرونایی قلمداد کرد یا به حساب روزهای نخست جشنواره گذاشت. هرچند باید به این نکته مهم نیز اشاره کنیم که رعایت پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری‌ها در سالن‌ها به‌خوبی انجام شده و چون پردیس چارسو از لابی‌بزرگی برای پذیرایی از میهمانان برخوردار است، این پروتکل‌ها در فضای باز بیرونی نیز به چشم می‌خورد تا جشنواره جهانی از این لحاظ، نمره قبولی دریافت کند.

عضویت در فیایف

اما بسبب خبری جشنواره سی‌وهشتم طی سه روز ابتدایی اش، پیوستن جشنواره جهانی فجر به فدراسیون بین‌المللی انجمن تهیه‌کنندگان فیلم (فیایف) بود. جریانی که بیش از سه سال توسط رضا میرکریمی دنبال شد و هرسال نمایندگانی از این نهاد به جشنواره جهانی می‌آمدند و شاخص‌های آن را کنترل می‌کردند و حالا طی خبری، جشنواره جهانی فجر به‌همراه ۱۵ جشنواره دیگر نظیر کن، ونیز، برلین، کارلووی‌واری، سن سباستین و تالین، در رده جشنواره‌های رقابتی «الف» جهانی قرار گرفته است. البته با رصد سایت فیایف، متوجه می‌شویم هنوز این خبر در پایگاه آنها درج نشده و فیایف با وجودی که جشنواره کوچکی چون فستیوال فیلم‌های کوتاه اوپرهاوزن را پوشش داده اما در فهرست جشنواره‌های درحال برگزاری اش، خبری از جشنواره جهانی فجر منتشر نکرده است. این اتفاق احتمالا به‌دلیل تازه پیوستن جشنواره جهانی به این فدراسیون صورت گرفته، چون همان‌گونه که عسگرپور عنوان کرد، جشنواره جهانی، یک روز پیش از آغاز این دوره، در فیایف ثبت شده است.

ایران از سال ۲۰۰۵ به عضویت فیایف درآمد و هم‌اکنون در کنار کشورهایی چون آمریکا، آلمان، اسپانیا، ایتالیا، دانمارک، روسیه و هند، یکی از ۳۱ کشور پیشرو سینمایی در تولید فیلم به‌شمار می‌رود. جالب است که دو عنوان «کپی‌رایت و قوانین مرتبط با حقوق مالکیت معنوی» و «بازره با سرعت ادبی و هنری» جزء وظایف فیایف است که البته در سینمای ایران چندان جدی گرفته نمی‌شود. عجیب است که حضور فیایف طی ۱۶ سال از عضویت سینمای ایران در این فدراسیون، نسبت به این دو مقوله مهم واکنش نشان نداده و نسبت به آن بی‌تفاوت بوده است. بخش «جشنواره‌ها» نیز یکی از بخش‌های فیایف است که جشنواره جهانی به‌تازگی به عضویت آن درآمده است.

قطعا خبر پیوستن جشنواره جهانی فجر به فیایف، یک اقدام فرخنده و یک حرکت روبه‌جلو برای این فستیوال محسوب می‌شود اما قدرمسلم آنکه هنوز جشنواره از نگاه بسیاری، به آن درجه از حرفه‌ای‌گری و جریان‌سازی ولو در داخل کشور نرسیده است. جشنواره‌هایی که به‌عنوان رقابتی در زمره جشنواره‌های «الف»، فیایف پذیرفته شده‌اند، جشنواره‌هایی هستند که عموم سینمادوستان با آنها آشنایی داشته و رسانه‌های کشورهای مختلف در زمان برگزاری، اخبار روزانه این رویدادها را در صدر خبرهای خود منتشر می‌کنند اما جشنواره جهانی فجر به این درجه از اعتبار و محبوبیت در سطح جهانی و با حتی منطقه‌ای رسیده است؟ اگر عضویت در فیایف زمینه‌ای برای شناخت بیشتر سینمادوستان جهانی از جشنواره‌ای ایرانی را فراهم کند، که یک گل طلایی برای مدیران سینمایی کشور و صنعت سینمای ایران محسوب می‌شود اما اگر دغدغه بر این منوال باشد که حالا گل طلایی را زده‌ایم و به عضویت فیایف درآمده‌ایم و بعد از این طبق یک الگو و فرمول ساده و همیشگی، به برگزاری جشنواره بپردازیم، همانی می‌شود که تا امروز بوده است.

انتظار می‌رود حالا که جشنواره جهانی به فیایف، مسئولیت‌پذیری بیشتر را روی شانه‌های خود احساس می‌کند، کمی هم در برابر خواست منتقدان، انعطاف بیشتری نشان دهد. اتفاقی که حداقل در جشنواره ملی فجر، به شیوه بهتری صورت می‌گیرد. هم‌اکنون طیف گسترده‌ای از منتقدان جشنواره جهانی فجر، به سیاست شفاف نبودن این فستیوال اعتراض دارند. آنها می‌خواهند نسبت به عملکرد دقیق سالانه این جشنواره، تعداد مخاطبان جزه و البته از هزینه‌های جشنواره و دستمزد مدیران این رویداد آگاهی داشته باشند. بخشی از این ابهامات، سالانه در جشنواره ملی فجر پاسخ داده می‌شود اما مقاومت دبیران جشنواره جهانی در این زمینه بسیار عجیب است. وقتی دبیر جشنواره جهانی اعلام می‌کند هزینه برگزاری جشنواره امسال، نصف رقم تولید یک فیلم است و اگر وقتی را که در جشنواره صرف کرده، صرف تولید یک سریال می‌کند، به دستمزد بالاتری می‌رسید، چرا از اعلام رقم دقیق دستمزدش خودداری می‌کند؟ وقتی رقم دستمزد ابراهیم داروغه‌زاده به‌عنوان دبیر سه دوره جشنواره ملی فجر توسط خودش و دبیر بعدی جشنواره اعلام می‌شود، چرا نباید دستمزد دبیران جهانی فجر منتشر شود؟

انتظار می‌رود جشنواره فجر حالا که در مسیر حرفه‌ای‌تر و رقابتی‌تری قرار گرفته است، با این شفاف‌سازی‌ها، از حجم منتقدان خود کاسته و به‌سمت انعطاف بیشتر در برابر خواست منتقدانش پیش برود. اصل مهمی که می‌تواند به بهره‌برداری‌های بعدی این جشنواره در اشکال داخلی، کمک قابل‌توجهی کند.